

## توافق هسته‌ای ژنو: پیروزی صلح طلبان و شکست جنگ طلبان

محمد سهیمی

مقدمه

توافق هسته‌ای شش ماهه بین ایران و گروه ۵+۱ - پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل بعلاوه آلمان - واکنش عظیمی را در سطح جهان برانگیخت. قبل از امضا موافقت نامه جناح افراطی اسرائیل و عربستان، و متحدان آمریکایی و ایرانی آنها هر چه توانستند به موافقت نامه احتمالی حمله کردند. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر جنگ طلب اسرائیل به دروغ گویی و اغراق‌های همیشگی خود پرداخت. لابی حزب لیکود در آمریکا، یعنی ایپک، به سنای آمریکا هجوم برد تا سناتورهای آمریکایی را متقاعد کند که تحریم‌های جدیدی بر ضد ایران اعمال کنند. تمامی آن سناتورهاییکه اعلام کردند از تحریم‌های جدید حمایت میکنند همان آنهایی هستند که بیشترین کمک مالی را برای انتخاب خود از ایپک دریافت میکنند. بعنوان مثال، سناتور مارک کرک، جمهوریخواه از ایلینویز، رهبر آنهاییکه میخواهند تحریم‌های جدید اعمال شوند، از ایپک ۶۳۹،۸۱۰ دلار برای انتخابات سال ۲۰۱۰ دریافت کرد، که بیشتر از هر نماینده کنگره و یا سناتوری است از ایپک پول دریافت کردند. ایشان همینطور ضد مردم فلسطین، و بطور کلی تر ضد مردم مسلمان، و طرفدار سرسخت جناح جنگ طلب اسرائیل است، و [اعلام کرده‌اند که](#)، "تنها دلیلی که من در انتخابات سنا شرکت کرده‌ام این است که به بقای اسرائیل کمک کنم." ایشان همان کسی است [که گفتند](#)، "کاملاً قابل قبول است که غذا از دهان ایرانیان کشیده شود،" که البته مقصود ایشان اثر تحریم‌های اقتصادی بر روی زندگی مردم است.

در آمریکا افتضاح لابی اسرائیل بر ضد توافق آنقدر آشکار شد که حتی آقای تاماس فریدمن، مقاله نویسنده مهم روزنامه نیو یورک تایمز، طرفدار سرسخت هجوم به عراق، و کلیمی هوادار اسرائیل در یک مقاله [چنین نوشت](#): "این باید با صدای بلند گفته شود: ما آمریکایی‌ها وکلای تحت استخدام اسرائیل و عربستان سعودی نیستیم که برای آنها مذاکره کنیم. منافع ملی ما نه تنها این است که ایران به سلاح هسته‌ای دست نیابد، بلکه جنگ سرد ۳۴ ساله با ایران خاتمه یابد."

طرفداران ایرانی تحریم - یعنی جنگ اقتصادی - دخالت به اصطلاح بشر دوستانه، و حتی جنگ نظامی تمامی دروغ‌های نتانیاهو و شرکای آمریکایی او را لغت به لغت تکرار کرده، حتی یک ویرگول را هم فراموش نمیکنند، و به قول معروف ده تا هم روش میگذارند. به صحبت‌های یکی از اینها، که از طرفداران آتشین اسرائیل است، [در برنامه افق صدای آمریکا](#) که در روز پنجشنبه ۲۱ نوامبر با نگارنده شرکت کرد گوش دهید، و بعد صحبت‌های ایشان را [یا آنچه که پووال اشتاینیتر](#)، وزیر امور راهبردی (استراتژیک) اسرائیل گفت مقایسه کنید تا ببینید که آیا تفاوتی وجود دارد یا خیر.

گروهی دیگر از ایرانیان، که اصولاً مخالف استفاده از انرژی هسته‌ای هستند و همه چیز را از زاویه بسیار تنگ "ما در برابر جمهوری اسلامی" میبندند، حالا اعلام کرده اند که این قرار داد "ترکمنچای" دوم یا سوم است، که معنی آن اینست که قرارداد ژنو حقوق هسته‌ای ایران را بر باد داده است. برخی دیگر که ظاهراً دارای دانش هم در مورد مساله هستند، هر روز یک پیشنهاد تازه میدهند که با پیشنهاد قبلی آنها در فاصله زمانی کوتاه تفاوت دارد: اول پیشنهاد میکنند که استفاده از راکتور هسته‌ای و غنی سازی اورانیوم به فرآیند گذشته شود. بعد از چند هفته همانها پیشنهاد میدهند که اصولاً نیازی به مذاکره نیست؛ کافی است که جمهوری اسلامی به تمامی برنامه هسته‌ای بطور داوطلبی خاتمه دهد. بعد از چند هفته همانها می‌گویند شاید لازم باشد غنی سازی را بطور شریکی با یک کشور دیگر انجام داد.

بعد ادعا میکنند که هیچ کس این موضوعات را برای مردم ایران توضیح نداده است، که ادعا و مبالغه گزافی است، چرا که در همان ایران بسیاری از شخصیت‌های اصلاح طلب، مانند آقایان مصطفی تاجزاده، بهزاد نبوی، و دکتر احمد شیرزاد، بر ضد غنی سازی اورانیوم در ایران صحبت کرده و توضیح داده اند، و مسائل دیگر

هدف این مقاله بحث در مورد مفید بودن یا نبودن غنی سازی و یا تولید برق از طریق رآکتورهای هسته‌ای نیست. نگارنده نظر خود را در [یک مقاله قبلی](#) توضیح داده است. با نظرات نگارنده می‌توان موافق و یا مخالف بود. نگارنده به [نقدی که بر نظرات او](#) توسط یکی از هموطنان متخصص نوشته شده بود در آینده نزدیک پاسخ خواهد داد. هدف از مقاله کنونی بحث در مورد قرار داد ژنو است. به زبان دیگر، سوال این است: چه مخالف تکنولوژی هسته‌ای باشیم و چه نباشیم، با شرایط کنونی، با توجه به حاکمیتی که در ایران وجود دارد، چه باید کرد و چه راه عملی وجود دارد که کشور از اوضاع کنونی خارج شود؟

## زبان قرارداد

برنامه کامل مشترک مورد توافق دو طرف را در [اینجا](#) [میتوانید ببینید](#). متن موافقت نامه طوری نوشته شده که دو طرف را از لحاظ سیاسی، ولی نه قانونی از منظر حقوق بین‌المللی، ملتزم به اجرای آن می‌کند. اینرا دکتر دانکن هولیس، استاد حقوق دانشگاه تمپل در فیلادلفیا [بخوبی توضیح داده است](#). بعنوان مثال، اولین جمله قرارداد اینچنین است، "هدف این مذاکرت رسیدن به یک راه حل کامل بلند مدت است که مورد توافق دو طرف باشد که تضمین خواهد کرد که برنامه هسته‌ای ایران فقط صلح آمیز باشد." این نوع عبارت روشن می‌کند که [آرزوی دو طرف](#) این هدف است، نه اینکه رسیدن به این هدف از لحاظ قوانین بین‌المللی لازم است. همچنین قرار داد چند بار کلمه "داوطلبی" را بکار برده است. دلیل این نوع زبان این است که دو طرف [بخوبی متوجه هستند](#) که اگر قرار داد را در چهار چوب قوانین بین‌المللی مینوشتند، پارلمان‌های آنها می‌بایست آنرا تصویب میکرد، ولی هفت کشور شرکت کننده در مذاکرات نمیخواستند اینطور باشد، چرا که [بخوبی](#) از اوضاع داخلی خود و گروه‌های مخالف قرارداد با خبر بودند.

در عین حال زبان مورد استفاده در موافقت نامه خود یک موفقیت است. برای اولین بار از زبانی استفاده شد که هر دو طرف قادرند با اعتبار ادعا کنند که به اهداف خود رسیده‌اند.

## آیا جمهوری اسلامی امتیازهای زیادی داده است؟

پاسخ درست از نظر نگارنده هم آری است و هم نه. پاسخ آری است بدلیل عریده‌های دولت آقای محمود احمدی‌نژاد و مذاکره کننده ارشد آن آقای سعید جلیلی که از نظر نگارنده واجد شرایط برای بحث با همسایه خود در تهران هم نبودند، چه برسد به اینکه با شش قدرت جهانی مذاکره کنند. اینها، و پشتیبان آنها یعنی آقای علی خامنه‌ای و بخشی از فرماندهان سپاه اعلام کرده بودند که هیچ گونه امتیازی به ۱+۵ نخواهند داد. بنا بر این از این منظر، امتیاز داده شده است

ولی از نظر نگارنده پاسخ نه هم می‌باشد، به چند دلیل. اول، بطور اصولی آنچه که تهران قبول کرده [همانی است](#) که در سال ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ در [اعلامیه سعد آباد](#) و [قرار داد پاریس](#) قبول کرده بود، یعنی محدود کردن برنامه هسته‌ای خود. دوم ابعاد برنامه ایران در حال حاضر بسیار وسیع تر از آنچه که ایران در آن زمان داشت می‌باشد. در اکتبر ۲۰۰۳، زمانی که اعلامیه سعد آباد به امضا رسید و ایران غنی سازی را متوقف کرد، جمهوری اسلامی فقط دارای یک ایشار با ۱۶۴ سانتریفیوژ بود، در حالیکه در حال حاضر دارای ۱۹،۰۰۰ سانتریفیوژ می‌باشد، و قرار داد ژنو از جمهوری اسلامی نخواست که

تعدادی از سانتریفیوژها را غیر فعال کند. ۵+۱ حتی قبول کرد که در طول شش ماه آینده ایران میتواند سانتریفیوژهای خراب شده را تعویض کند. سوم، در آن زمان دولت آقای محمد خاتمی قبول کرده بود که در نهایت ایران دارای ۳۰۰۰ سانتریفیوژ باشد، در حالیکه با شرایط کنونی غیر ممکن است که به آن تعداد باز گردند، صحبتی هم در مورد آن نشد

### نقش تحریم‌ها در رسیدن به توافق چیست؟

این سوالی است که هم در بین ایرانیان و هم کارشناسان غربی موضوع بحث‌های وسیع بوده است. لابی اسرائیل و حامیان آن در کنگره و سنای آمریکا ادعا میکنند که چون ایران فقط بدلیل تحریم‌های کمر شکن بر سر میز مذاکره حاضر شده، پس باید تحریم‌ها را هر چه شدیدتر کرد. طرفداران ایرانی همین لابی، و نه‌آیکه همیشه از تحریم‌ها، دخالت به اصطلاح بشر دوستانه و حتی جنگ حمایت کرده‌اند نیز معتقدند که فقط تحریم‌ها بوده است که رژیم را به میز مذاکره کشانده است. بدون شک تحریم‌های کمر شکن اقتصادی نقش مهمی در رسیدن به توافق داشته است. ولی به نظر نگارنده این ادعا که فقط بخاطر تحریم‌ها جمهوری اسلامی با ۵+۱ به توافق رسید نگاهی خام، و یا دستکم بدون در نظر گرفتن بسیاری از عوامل داخلی است.

اولاً، تا آنجاییکه به تدریجها و مرتجعین مربوط است، هیچ قرار دادی با ۵+۱ - که در واقع با آمریکا است - تحت هیچ شرایطی قابل قبول نیست. نگاهی به کیهان، جوان، و وبسایت‌های تدریجها اینرا بخوبی نشان میدهد. از نظر این گروه کشور بر باد برود بهتر است تا توافق با آمریکا. این گروه هویت خود را در مخالفت با آمریکا می‌دانند، و قدرت سیاسی و ثروت عظیم خود را مدیون تحریم‌ها نگارنده معتقد است که در ماه‌های آینده این گروه نهایت تلاش خود را خواهد کرد تا قرار داد را لغو کند، و یا شرایطی را بر دولت آقای حسن روحانی تحمیل کند که از نظر ۵+۱ قابل قبول نباشد

ثانیاً، در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۵ که دولت آقای خاتمی برنامه هسته‌ای را به حالت تعلیق در آورد، نه از تحریم‌های کمر شکن خبری بود، و نه روابط با اروپا بد بود. در واقع در آن زمان ایران و اروپا روابط سیاسی نزدیک و تجاری گسترده‌ای داشتند و آقای خاتمی از چند کشور اروپایی دیدن کرد. تیم هسته‌ای دولت آقای خاتمی با تیم کنونی تفاوت آن چنانی ندارد، و آرشیتکت‌های اصلی آن، یعنی آقایان روحانی و ظریف همان‌هایی بودند که در سال ۲۰۰۳ قبول کردند که برنامه هسته‌ای را به حالت تعلیق در آورند. بنا بر این از نظر نگارنده، اصولاً این مشی این گروه است که با غرب بر سر برنامه هسته‌ای به توافق برسد.

در واقع تنها دلیلی که در سال ۲۰۰۵ مذاکرات با سه کشور اروپایی شکست خورد این بود که دولت آقای جورج بوش حاضر نبود با ایران به توافق برسد، وگرنه در همان زمان توافق حاصل میشد، گستره برنامه هسته‌ای بسیار محدودتر از حالا بود، و هزینه سنگینی، هم بدلیل مخالفت دولت آقای بوش و هم بدلیل دولت بی لیاقت آقای احمدی‌نژاد به کشور تحمیل نمی‌شد. آمریکا-شیفتگان و ایران-ستیزان، همان‌هاییکه می‌خواستند با دولت آقای بوش "همسو" شوند، یا نمی‌دانند و یا خود را به فراموشی می‌زنند که پس از حمله آمریکا به عراق جمله متداول در داخل دولت آقای بوش این چنین بود: همه می‌خواهند به بغداد بروند، فقط مردان واقعی می‌خواهند به تهران بروند، و به همین دلیل مخالف توافق با ایران بودند. آقایان دیک چینی و جورج بوش در رویای آن بودند که با جنگنده‌ها و تانک‌های آمریکایی به تهران بروند.

مخالفت دولت آقای بوش با توافق با ایران - که در آن زمان ادعا کرده بود که با دولت شیطان‌ی مذاکره نمیکند - را حتی آقای جان کری وزیر خارجه آمریکا در کنفرانس مطبوعاتی خود در ژنو ذکر کرد،

ولی طرفداران تحریم، دخالت بشر دوستانه و جنگ، که مطابق معمول کاسه از آش داغتر هستند، طبق معمول از ناچیزترین عرق ملی برخوردار نیستند، و به‌خود زحمت نمی‌دهند تا نظرات کاشناسان ارشد آمریکا و اروپا را مطالعه کنند، تمامی تقصیر را از جیب جمهوری اسلامی میدانند. شکی نیست که جمهوری اسلامی جنایات زیادی را مرتکب شده؛ شکی نیست که رژیم ولایت فقیه یک حکومت دیکتاتوری مذهبی است که مخالفان خود را سرکوب کرده و می‌کند، و شکی نیست که دولت آقای احمدی‌نژاد در بوجود آوردن اوضاع کنونی نقش مهمی داشت. ولی در این مساله بخصوص بخش مهمی از هزینه‌ای که به مردم ما تحمیل شده بخاطر سیاست جنایتکار جنگی، آقای جورج بوش می‌باشد

ثالثاً، آقای روحانی که خود دارای پایگاه اجتماعی نبود. ایشان بدلیل حمایت اصلاح طلبان و بخش مهمی از جنبش سبز در ماه خرداد انتخاب شدند. مهمترین دلیل رأی آوردن ایشان این بود که ایشان به مردم کارهای خود در ۲۰۰۵-۲۰۰۳ را یادآوری کردند، و آن جمله معروف را گفتند که، "هم سانترفیوژها بچرخد، هم اقتصاد ما!" در همان زمان هم همان هائیکه در اپوزیسیون خارج کشور مخالف توافق غرب با ایران بودند و موافق تحریم‌ها، ادعا میکردند که آقای جلیلی کاندیدای آقای خامنه‌ای است، که در صورت انتخاب ایشان لابد همان سیاست‌ها ادامه پیدا میکند

### دستاورد موافقت نامه برای دو طرف چیست؟

آقای [ظریف گفتند که مهمترین دستاورد](#) توافق این بود که ۱+۵ از ایران نخواست که غنی سازی در سطح سه تا پنج درصد را متوقف کند. از نظر آقایان ظریف و روحانی این خود قبول ضمنی ادعای جمهوری اسلامی است که اصل ۴، بند ۱ قرار داد [عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای](#) به ایران حق غنی سازی اورانیوم را میدهد، ادعا ای که بسیار از کارشناسان ارشد بین‌المللی، [از جمله آقای هنز بلیکس](#) مدیر سابق آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای با آن موافقت. نگارنده خود در روز سه شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۱۳ [مقاله‌ای منتشر کرد](#) که در آن با استناد به مدارک ریاست جمهوری پرزیدنت جرالد فورد نشان داد که خود دولت آمریکا هم نه تنها این حق را برای ایران در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۵ به رسمیت شناخت، بلکه پیشنهاد کرد که به ایران کمک کند تا غنی سازی اورانیوم و پردازش دوباره سوخت راکتور در ایران را بر پا کند. از نظر نگارنده اصولاً دولت آمریکا در جایگاهی نیست که تصمیم بگیرد چه کشوری این حق را دارد و یا ندارد؛ قرار داد ان پی تی قراردادی است بین‌المللی، و هیچ کشوری حق ندارد آنرا به سود خود تفسیر کند. در عین حال روزنامه نیو یورک تایمز [گزارش داد که تیم مذاکره ایران به آمریکا گفته بود](#) که اگر ۱+۵ از ایران بخواهد که غنی سازی بطور موقت متوقف شود، مذاکرات شکست خواهد خورد، چرا که آقای خامنه‌ای و تندروها در تهران آنرا قبول نخواهند کرد. بعد از سفر آقای روحانی به نیو یورک نگارنده در چهار مقاله ([اینجا](#)، [اینجا](#)، [اینجا](#)، و [اینجا](#)) گفته بود که اگر دولت آمریکا واقعا به دنبال توافق با ایران است، باید به دولت آقای روحانی کمک کند که از مذاکرات دستاورد محسوسی داشته باشد، تا بتواند در برابر تندروها مقاومت کند

در عین حال، تعلیق ملایم برخی از تحریم‌ها هم برای دولت آقای روحانی دستاورد مهمی است که آنرا قادر میسازد که در برابر تندروها بهتر مقاومت کند، و هم برای مردم، چراکه اوضاع اقتصادی تا حدی بهبود یافته، و مهم تر از آن شبح جنگ از ایران دور شده است. دوستان نگارنده در تهران خبر دادند که مردم توافق را به یک دیگر تیریک گفته، و امید برای آینده قدری بیشتر شده است

دستاوردهای دولت پرزیدنت باراک اوباما از مذاکرات از این قرارند.

اول، ایران برنامه هسته‌ای خود را در بسیاری از موارد در سطح کنونی منجمد کرده است، و در برخی از موارد به عقب برده است. به عنوان مثال، ساخت راکتور تحقیقاتی اراک متوقف شده است. جمهوری

اسلامی تعهد کرده است که تمامی ذخیره اورانیوم غنی شده در سطح ۱۹.۷۵ در صد را یا به اکسید اورانیوم تبدیل کند یا به میله‌ها و صفحات سوختی، که معنی آن این است که این نوع اورانیوم قابل غنی شدن به سطح بالاتر نیست، و موارد دیگر.

دوم، توافق نهایی با ایران، که توافق ژنو اولین قدم آن است، آمریکا را قادر میسازد که از ایران در حل مساله سوریه، و برای ثبات افغانستان و جلوگیری از به قدرت رسیدن دوباره طالبان در آنجا پس از آنکه بیشتر نیروهای آمریکا از آن کشور در سال ۲۰۱۴ خارج شدند کمک بگیرد. اگر هر دو انجام شود، آمریکا قادر خواهد بود که **استراتژی جدید پنتاگون مبنی بر تمرکز بر روی اقیانوس آرام** را عملی کند، و بخش مهمی از نیروهای خود را از خاور میانه خارج کند. اقتصاد ورشکسته آمریکا و مخالفت شدید پنتاگون با جنگ دیگری در خاور میانه، **بخصوص با ایران**، و تمایل پنتاگون **برای تمرکز بر روی چین** در اقیانوس آرام دولت پرزیدنت اوباما را در شرایط مشکلی قرار داده بود. با توافق با ایران و خروج از خاور میانه، آمریکا آبرومندانه خود را از این مخمصه نجات خواهد داد، ولی فقط زمانی میتواند اینکار انجام دهد که مسائل مهم خاور میانه حل شده باشند، که از طریق مصالحه با ایران به آن دست خواهد یافت

سوم، پرزیدنت اوباما علیرغم تمامی ضعف‌های خود و شکستن بسیاری از قول‌های انتخاباتی خود، نشان داد که میتواند در برابر لابی اسرائیل در آمریکا و متحدان آن یعنی نئوکان‌ها و آنچه که فعالان ضد جنگ در آمریکا، از قبیل نگارنده، به آن **حزب جنگ** می‌گویند مقاومت کند. اگر توافق ژنو به موافقتنامه نهایی برسد، در آن صورت کار آقای اوباما، به **همراه کتاب** آقای جیمی کارتر، **فلسطین: صلح، نه اپارتید**، و **کتاب استیون والت و جان مرشایمر، لابی اسرائیل**، نقش مهمی در کم کردن نفوذ لابی اسرائیل در سیاست خاور میانه آمریکا خواهند داشت، که برای صلح جهانی مفید خواهد بود. شاید بتوان گفت که چهار سال بعد از دریافت جایزه صلح نوبل، پرزیدنت اوباما در واقع حالا جایزه را بدست آورده و شایستگی آنرا خواهد داشت

چهارم، و از دید نگارنده از همه مهمتر، نئوکان‌های آمریکا که قبله آنها اسرائیل است، و تمامی کوشش خود را متمرکز بر این کرده‌اند که خاور میانه را تبدیل به حیات خلوت اسرائیل کنند که در آن آزادی عمل کامل داشته باشد، به شدت به توافق ژنو حمله میکنند؛ بعنوان مثال **اینجا**، **اینجا** و **اینجا** را ببینید. بنا بر این اگر قرارداد ژنو به توافق نهایی برسد، نئوکان‌ها خلع سلاح خواهند شد که خود یک پیروزی مهم برای دولت پرزیدنت اوباما، مردم آمریکا، و مردم خاور میانه خواهد بود

### شکست "تحریم و فقط تحریم" به عنوان یک سیاست عملی

نگارنده با تحریم هائیکه که آسیب‌های آن تنها به مردم بیگناه که هیچ نقشی در تصمیم‌گیری رهبران خود ندارند می‌رسد، به شدت مخالف است. به همین دلیل با تحریم‌های آمریکا بر ضد مردم ایران هم مخالف بوده است. طرفداران تحریم چنین استدلال میکنند که، به عنوان مثال، تحریم باعث سقوط رژیم اپارتید در آفریقای جنوبی شد، در حالیکه غرب، بخصوص آمریکا و انگلیس تحریم مهمی بر ضد آفریقای جنوبی بر قرار نکردند، و در واقع دولت پرزیدنت رونالد ریگان تحت عنوان "**درگیری سازنده**" که توسط آقای **جستر کراکر**، معاون وقت وزیر خارجه آمریکا در امور آفریقا انجام میشد، سعی میکرد که اثرات تحریمها را کاهش دهد. آمریکا کنگره ملی آفریقا، یعنی سازمان اصلی مقاومت مردم سیاه پوست به رهبری آقای نلسون ماندلا، را **یک سازمان تروریستی** اعلام کرده بود که **حتی تا سال‌ها بعد از به قدرت رسیدن** آقای ماندلا هنوز وجود داشت. مهمترین دلیل سقوط رژیم اپارتید این بود که سفید پوستان دریافتند که اگر به مقاومت ادامه دهند، نه تنها قدرت سیاسی بلکه تمامی قدرت اقتصادی خود را

نیز از دست خواهند داد، و به همین دلیل با مذاکره یا آقای ماندلا و گرفتن تضمین‌های لازم در مورد اموال خود از قدرت کناره گرفتند. در عین حال، همانطور که تجربه عراق نشان داد، تحریم اقتصادی نه تنها موجب تلفات عظیم انسانی میشود، بلکه به جنگ نظامی هم منتهی خواهد شد.

ولی حتی اگر قرار باشد که تحریم‌ها بکار برده شود، فقط در صورتی موثر خواهد بود که همراه با مشوق باشد و آسیب اصلی آن به رژیم باشد نه مردم. از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ دولت پرزیدنت‌ها بوش پدر و پسر و بیل کلینتون فقط شدیدترین تحریم‌ها را بر ضد عراق اعمال کردند، بدون آنکه کوچکترین مشوقی برای تغییر سیاست‌های رژیم صدام حسین در نظر بگیرند. در واقع از سال ۱۹۹۸ سیاست رسمی دولت آمریکا تغییر رژیم در عراق بود. این سیاست کاملاً شکست خورد و منجر به جنگ عراق شد. در مقابل از دسامبر ۲۰۱۱ که آمریکا تماس‌های مخفیانه را با ایران آغاز کرد، دستکم بطور محرمانه امتیاز هایی برای ایران برای تغییر سیاست هسته‌ای خود در نظر گرفته بود، و این خود یک عامل مهم در به نتیجه رسیدن مذاکرات بود.

دیپلماسی مخفیانه بین جمهوری اسلامی و آمریکا که آغاز کننده آن آقای کری در ماه دسامبر ۲۰۱۱ بود، که در آن زمان هنوز سناتور بودند و از سلطان قابوس عمان خواسته بودند تا به آغاز یک گفتگوی مخفی بین ایران و آمریکا کمک کند، و دنباله آن در ماه‌های آخر ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد و دوران آقای روحانی توسط آقای ویلیام برنز، معاون اول آقای کری که منجر به ملاقات بین ایشان و آقای ظریف در نیویورک و مکالمه تلفنی بین پرزیدنت اوباما و آقای روحانی شد، همگی نشان میدهند که تهدید، و "تحریم و فقط تحریم" کاربری ندارند، بلکه یک دیپلماسی واقعی که در آن هر دو طرف باید امتیاز دهند موثر خواهد بود.

### عواملی که میتوانند منجر به شکست مذاکرات نهایی شوند

با وجود قرار داد ژنو، هیچ تضمینی وجود ندارد که موافقت نامه نهایی نیز در شش ماه آینده به امضا برسد. هم در تهران و هم در واشنگتن نیرو هایی هستند که بدنبال بهانه میگردند که مانع از توافق نهایی شوند

### در تهران

تدروها بدنبال بهانه هستند تا "بازی" را بهم بزنند. چه چیزی میتواند بهانه لازم را به آنها بدهد؟

**پروتکل الحاقی و کد اصلاح شده ۳.۱:** تا سال ۱۹۹۱ پادمان، یا قرار داد ایمنی کشورهای عضو آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، آنها را ملزم میکرد که فقط تا حد اکثر ۱۸۰ روز قبل از وارد کردن مواد هسته‌ای به تأسیسات هسته‌ای وجود تأسیسات را به آژانس اطلاع دهند. علاوه بر آن، آژانس فقط قادر بود از تأسیساتی دیدن و بازرسی کند که بعنوان تأسیسات هسته‌ای اعلام شده بودند. بعد از آنکه عراق در جنگ کویت شکست خورد، آژانس برنامه عظیم هسته‌ای عراق را کشف کرد. در نتیجه **پروتکل الحاقی پادمان و کد اصلاح شده ۳.۱** تنظیم شد که بر طبق آن نه تنها کشورهای عضو آژانس باید **حتی قصد خود** برای برپایی تأسیسات هسته‌ای تازه را به آژانس اعلام کنند، بلکه آژانس اجازه دارد از هر تأسیسات کشورهای عضو که ضروری می‌بیند دیدن کند، حتی اگر آنها تأسیسات هسته‌ای نباشند. بر طبق اعلامیه سعدباد و قرار داد پاریس جمهوری اسلامی قبول کرد که مفاد پروتکل الحاقی را بطور داوطلبی اجرا کند، تا آنکه مجلس امضا ی پروتکل را تصویب کند. ولی چون سه کشور اروپایی، آلمان، انگلیس، و فرانسه، تعهدات خود را در مورد دو قرار داد نقض کردند، در فوریه ۲۰۰۶ ایران اجرای داوطلبی پروتکل را متوقف کرد. پس از آنکه شورای امنیت سازمان ملل اولین قطع نامه خود را بر ضد ایران

تصویب کرد، ایران اجرای کد اصلاح شده ۳.۱ را در مارس ۲۰۰۷ متوقف کرد.

اجرای دوباره پروتکل و کد اصلاح شده ۳.۱ توسط ایران بدون شک یکی از مهمترین خواسته‌های ۱+۵ خواهد بود. در عین حال تدریجاً اجرای آنرا "خط قرمز" خود اعلام کرده‌اند، و بنا بر این اگر بر این موضع خود اصرار ورزند، مذاکرات شکست خواهد خورد. نگارنده معتقد است که جمهوری اسلامی باید بدون درنگ پروتکل را به اجرا بگذارد. در غیر این صورت تنها تفسیری که وجود خواهد داشت این خواهد بود که حکومت چیزی برای پنهان کردن دارد.

**تأسیسات غنی سازی فردو:** این تأسیسات در زیر کوه ساخته شده‌اند، و عملاً آنها را نمی‌توان با بمباران ویران کرد. غرب و اسرائیل خواهان تعطیلی آن در گذشته بودند. بر طبق قرار داد ژنو ایران قبول کرد که ۱۰۰۰ سانتریفیوژ، از حدود ۲۹۰۰ سانتریفیوژ که ظرفیت فردو میباشد، را باز کند. اگر غرب بر تعطیلی کامل فردو اصرار ورزد، تدریجاً آنها را قبول نخواهند کرد.

**رآکتور اراک:** این یک رآکتور ۴۰ مگا واتی آب سنگین تحقیقاتی است که در مقایسه با رآکتورهای آب سبک ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ مگا واتی که برای تولید برق بکار میروند بسیار کوچک، ولی در برابر رآکتورهای تحقیقاتی که معمولاً حدود ۵ تا ۱۰ مگا وات هستند بزرگ است. سوخت آن اورانیوم طبیعی است، و زیاده سوختی آن دارای پلوتونیوم است که برای ساختن بمب هسته‌ای استفاده می‌شود. قرار است که در سال ۲۰۱۵ شروع بکار کند، که خوشبینانه است. اسرائیل نسبت به آن بسیار حساس است، و خواهان برچیده شدن کامل آن است. جمهوری اسلامی ادعا می‌کند که رآکتور اراک جایگزین رآکتور ۵ مگا واتی تحقیقاتی تهران خواهد شد که ایزوتوپ هسته‌ای برای حدود ۸۵۰۰۰۰ بیمار ایرانی در سال تولید می‌کند. مساله پلوتونیوم تولیدی رآکتور بسادگی قابل حل است. همانطور که زیاده هسته‌ای رآکتور بوشهر با نظارت آژانس به روسیه فرستاده می‌شود، زیاده سوختی رآکتور اراک هم باید بخارج فرستاده شود تا امکان استفاده از آن نباشد. ولی اگر غرب بر بسته شدن کامل رآکتور اصرار ورزد، بدون آنکه رآکتور تحقیقاتی جدید و کوچکی در اختیار ایران قرار دهد - رآکتور تهران قدیمی است و به پایان عمر مفید خود نزدیک می‌شود - در آن صورت تدریجاً آنها را از آن بعنوان بهانه‌ای برای برهم زدن توافق استفاده خواهند کرد.

**تعداد و نوع سانتریفیوژها:** در سال ۲۰۰۳ دولت آقای خاتمی پیشنهاد کرد که غنی سازی در حد تحقیقات در ایران فقط با ۳۰۰۰ سانتریفیوژ ادامه یابد، ولی دولت جورج بوش آنرا نپذیرفت. در حال حاضر ایران دارای ۱۹۰۰۰ سانتریفیوژ است که حدود ۱۰۰۰۰ آن کار میکنند. علاوه بر آن، در حالیکه در سال ۲۰۰۳ ایران فقط دارای سانتریفیوژهای قدیمی بود که از نوعی بودند که پاکستان در دهه ۱۹۷۰ ساخته بود، اکنون دارای دو نسل جدید از سانتریفیوژ است که سرعت آنها تا پنج برابر سرعت نوع قدیمی است. این سانتریفیوژها، که تا سه سال پیش غرب اطمینان داشت ایران قادر به تولید آن خواهد بود، غرب را نگران کرده است. در قرار داد ژنو جمهوری اسلامی قبول کرد که در شش ماه آینده سانتریفیوژهای نسل جدید را مورد استفاده قرار ندهد. مسلماً، غرب خواهان محدودیت‌های بسیار برای تولید و استفاده از این نوع سانتریفیوژ در ایران خواهد بود، و اگر در این مورد به مصالحه‌ای با

جمهوری اسلامی نرسد، تندروها از این موضوع نیز استقاده خواهند کرد.

**اجرای قطع نامه‌های شورای امنیت سازمان ملل: شورای امنیت سازمان ملل شش قطع نامه بر ضد** جمهوری اسلامی منتشر کرده است، که پنج تای آخر آن به ایران دستور میدهد که برنامه هسته‌ای خود، از جمله غنی سازی، را به حالت تعلیق درآورد. مطبوعات غرب گزارش داده‌اند که در مذاکرت آینده +۱ از ایران خواهد خواست که قطع نامه هارا به اجرا درآورد، که معنی آن اینستکه کل برنامه هسته‌ای به حالت تعلیق در آورده شود. اگر چه نگارنده از تعلیق موقت بطور کامل حمایت می‌کند، ولی احتمال قبول چنین چیزی از طرف جمهوری اسلامی اگر صفر نباشد، چیزی نزدیک به صفر است. در عین حال همان پنج عضو دائمی شورای امنیت که به آن قطع نامه‌ها رأی مثبت داده بودند، توافق ژنو را امضا کردند. همان کشورها خود به راحتی میتوانند قطع نامه دیگری را به شورا ببرند که قطع نامه‌های قبلی را به حالت تعلیق درآورد. بنا بر این راه حل وجود دارد، ولی اصرار هر یک از طرفین بر موضع خود میتواند مذاکرات را به شکست انجامد.

### در واشنگتن

مهمترین، و شاید تنها مانع جلوگیری از توافق بین ایران و +۱، که در واقع بین ایران و آمریکا است، لابی اسرائیل در آمریکا و متحدان نئوکان آن، و همچنین سناتورهای تندرو مثل لیندسی گراهام، جمهوریخواه از کارلینای جنوبی، جان مک کین، جمهوریخواه از آریزونا، رابرت مننندز، دمکرات از نیو جرزی، و رابرت کورکر، جمهوریخواه از تنسی، و طرفداران اسرائیل در سنا، مثل سناتور کرک، چاک شومر، دمکرات از نیو یورک، و چند نفر دیگر است. تندروها در سنا هر یک بدلیلی با هر توافقی که به ایران اجازه دهد که به غنی سازی ادامه دهد مخالفند. بعنوان مثال، پایگاه اجتماعی سناتور گراهام مسیحیان صهیونیست است که طرفدار سر سخت اسرائیل هستند. سناتور مک کین معتقد به حفظ هژمونی جهانی آمریکا است، و به همین دلیل اولین و تنها راه حل هر بحران در هر جای جهان برای ایشان دخالت نظامی آمریکا است. تمامی اینها **مبالغه‌های هنگفتی بول از لابی اسرائیل**، ایپک، در یافت میکنند. اسلحه سازان آمریکا هم، که **از طرفداران سر سخت جنگ با سوریه بودند**، در مورد جنگ با ایران نیز نظر مثبت دارند

این سناتورها آنقدر شورش را درآوردند که همان **آقای فریدمن از نیو یورک تایمز در مقاله‌ای نوشت:** "من هرگز ندیده بودم که اسرائیل و کشورهای اصلی عرب متحد آمریکا با هم همکاری کنند تا مانع از اجرای یک سیاست خارجی مهم آمریکا شوند، و من هرگز ندیده‌ام که این همه قانون گذار، هم دمکرات و هم جمهوریخواه، جانب اسرائیل را در مقابل پرزیدنت خود بگیرند."

ذکر این نکته ضروری است که در حالی که جناح افراطی اسرائیل به رهبری آقای نتانیاها مشغول تلاش برای بر هم زدن موافقت نامه نهایی است و توافق ژنو را یک **"اشتباه تاریخی"** میدانند، امس یدلین، رئیس سابق اطلاعات ارتش اسرائیل **توافق ژنو را ستایش کرد**، و گفت او باور دارد که ایران توافق را نقض نخواهد کرد. اهود یاری، روزنامه نگار برجسته اسرائیل، **نیز گفت که غیر محتمل است** که حمله نظامی اسرائیل به ایران می‌توانست دستاوردی بهتر از توافق ژنو بدست آورد

در عین حال، نیروی اصلی بر ضد جنگ با ایران، علاوه بر جنبش ضد جنگ، پنتاگون است که مایل نیست وارد جنگ دیگری در خاور میانه شود، چرا که او لایروهای مسلح آمریکا کاملاً فرسوده و خسته



هستند؛ ثانیاً، پنتاگون به خوبی از عوارض جنگ احتمالی با ایران و یا سوریه برای امنیت جهان و اقتصاد آن آگاه هست، و ثالثاً، پنتاگون ترجیح میدهد که بر چین متمرکز شود، که [همین هفته تهدیدهای جدید](#) بر ضد ژاپن را آغاز کرده است، بطوری که [آمریکا مجبور شد واکنش نشان داده](#) و دو بمب افکن ب-۵۲ را به فضای هوایی ژاپن بفرستد.

## برندگان

مهمترین برندگان این موافقت نامه مردم ایران، آمریکا، خاور میانه، و حتی مردم عادی اسرائیل هستند. اگر در مورد برنامه هسته‌ای ایران نتوان به راه حل دیپلماتیک رسید، آمریکا و اسرائیل به ایران حمله خواهند کرد، که فاجعه‌ای برای کل جهان خواهد بود. مردم ایران که سیاست‌های نابخردانه آقای احمدی‌نژاد و حامیان اصلی او یعنی آقای خامنه‌ای، بخشی از فرماندهان ارشد سپاه و تندرو ها، که حتی زمانیکه سیاست‌های ویرانگر او کاملاً آشکار شده بود و نقش مهمی در بوجود آوردن اوضاع کنونی داشت، حمایت خود را از او ادامه دادند، شاید بتوانند نفسی به راحتی بکشند. سایه جنگ، دستکم بطور موقت، از ایران دور شده و اقتصاد ممکن است قدری بهبود یابد. این البته فقط آغاز کار است. مردم آگاه ایران از کوچکترین روزنه در انتخابات خرداد استفاده کردند، و از میان کاندیداهای دست‌چین شده معتدل‌ترین و با تجربه‌ترین را انتخاب کردند. درست در همان زمانیکه عراق، سوریه، لیبی، افغانستان، و یمن در آتش خشونت میسوزند، مردم آگاه ایران در نهایت آرامش اعتیالی به بخشی از اپوزیسیون در تبعید نکرند که از آنها خواسته بود تا در رأی دادن شرکت نکنند.

برنده دیگر اعتدال، درایت، و دیپلماسی است. برنامه هسته‌ای ایران لزومی نداشت تا این حد پیچیده شود، و این چنین هزینه سنگینی را به مردم و کشور تحمیل کند. اگر آمریکا از کمک ژانس به ایران در سال ۱۹۸۵ برای برپایی غنی سازی در ایران جلوگیری نمی‌کرد، شرایط کنونی وجود نداشت. اگر دولت آقای بوش پیشنهاد "معامله بزرگ" دولت آقای خاتمی را در مه ۲۰۰۳ می‌پذیرفت، شرایط کنونی وجود نداشت. اگر آمریکا پیشنهاد دولت آقای خاتمی و مذاکره کننده ارشد هسته‌ای آن، آقای روحانی، را برای محدود کردن برنامه غنی سازی اورانیوم می‌پذیرفت، شرایط کنونی وجود نداشت. اگر دولت دیگری به غیر از دولت آقای احمدی‌نژاد بر سر کار بود که شعارهای تند بر ضد اسرائیل نمی‌داد، واقعه تاریخی هولوکاست را انکار نمی‌کرد، و سیاست تهاجمی در مورد برنامه هسته‌ای اتخاذ نمی‌کرد، شرایط کنونی وجود نداشت. اگر در انتخابات سال ۱۳۸۸ تقرب نمی‌شد و برنده واقعی آن آقای میر حسین موسوی بر سر کار می‌آمد، شرایط کنونی وجود نداشت. و البته، اگر دیگری را هم می‌توان به این لیست اضافه نمود: اگر برنامه غنی سازی در ایران آغاز نشده بود، این چنین شرایطی وجود نداشت. هم زیاده خواهی غرب به رهبری آمریکا و هم سیاست‌های دولت آقای احمدی‌نژاد حامی او آقای خامنه‌ای در بوجود آوردن شرایط کنونی نقش مهمی داشتند.

## بازندگان

همانطور که ذکر شد، در ایران مهمترین بازنده ها، دستکم برای ماه‌های آینده، تندروها و نیروهای راست افراطی هستند. ولی در عین حال این نیروها تمامی توان خود را بکار خواهند گرفت تا مانع از رسیدن به توافق نهایی شوند. [نیو یورک تایمز گزارش داد](#) که یکی از استراتژیست اصلی دولت پرزیدنت اوباما به این روز نامه گفته است، "ظریف می‌گوید که او حد اکثر شش ماه فرصت دارد که با آمریکا به توافق برسد، قبل از اینکه تندروها دوباره در قدرت بالا بیایند،" و این مقام دولت پرزیدنت اوباما به نیو یورک تایمز گفته است "ما صحبت ظریف را باور می‌کنیم." بنا بر این زمان زیادی برای مذاکره وجود ندارد. مهمترین بازندگان خارجی، دستکم برای چند ماه آینده، جناح‌های جنگ طلب اسرائیل، و دیکتاتوری

مرتجع مذهبی عربستان سعودی میباشند. یکی از طرفداران ایرانی تحریم مقیم فرانسه که در همین وبسایت حضور دارد اعتراض کرده است که چرا رژیم عربستان ارتجاعی نامیده میشود. گویی از نظر ایشان اگر غرب از یک رژیمی حمایت کند، آن رژیم نمی‌تواند مرتجع یا دیکتاتوری باشد. رژیم عربستان نه تنها مرتجع و مذهبی فاشیستی است، بلکه با حمایت از نیروهای تندرو سلفی و اعزام آنها به مناطق مختلف نقش مهمی در خون ریزی‌های عظیم در خاور میانه از سوریه تا عراق و افغانستان و حتی ایران دارد

بازنده بزرگ بعدی نئوکانها و حزب جنگ میباشند که از سال‌ها قبل مشغول تحریک برای آغاز جنگ با ایران بودند. برای این گروه مصالحه با ایران مثل نوشیدن زهر است، درست مثل تندروهای ایران که برای آنها توافق با آمریکا مانند نوشیدن جام زهر است. هویت این گروه‌ها در بر پا کردن جنگ در خاور میانه و بدنبال صلح قبرستانی بودن است که در آن جناح‌های افراطی اسرائیل آزادی عمل کامل داشته باشند

بازنده بزرگ بعدی طرفداران ایرانی تحریم، دخالت به اصطلاح بشر دوستانه، و جنگ میباشند. همان هائیکه نسخه همسویی با دولت آقای بوش را پیچیدند و نوشتند که باید با فشار خارجی، یعنی فشار آمریکا و اسرائیل همسو شد. به دروغ نوشتند که استفاده نظامی ایران از انرژی هسته‌ای به مرحله تعیین کننده ای رسیده که صلح و ثبات جهانی را به خطر می‌اندازد، ادعا ای که حتی آمریکا ندارد. برای اغراق‌ها و دروغ‌های خود امضا جمع کردند و بعد به دروغ به روزنامه وال استریت جورنال گفتند که چهره‌های برجسته اصلاح طلب داخل کشور نیز اینها را تأیید کرده اند. با انرژی تمام از حمله به لیبی حمایت کردند - راستی وضع لیبی چطور است؟ - برای آن هورا کشیدن و دست زدن. همان نسخه را برای سوریه تجویز کردند، ادعا کردند که خشونت‌های تروریست‌های سلفی و القاعده در سوریه موجه است، مخالفت با آن مخالفت ایندولوژیکی است و ایرانیان هم باید بیاموزند. اخیراً هم در دفاع از همفکر عملی خود که در وبسایت ایشان دائماً مقاله منتشر میکنند - ولی در عین حال اتهام "تک صدائی" کردن را به دیگران وارد میکنند - خشونت‌های سازمان مجاهدین خلق را که ده‌ها هزار تن را کشتند، توجیه کرده و نوشتند که جنگ مسلحانه با حکومت اقتدارگرایی ایران مشروع بوده است. اینان که در بنیادهای دسته راستی آمریکا کار کردند، در مسأله هسته‌ای مواضعشان از مواضع نتانیاهو هم تندتر است.

اگر موافقت نامه نهایی بین ایران و ۵+۱ امضا شده و به اجرا گذاشته شود، نان این گروه آجر خواهد شد. این خود موفقیت بزرگی خواهد بود. با قرار داد ژنو اپوزیسیون واقعی، چه در داخل ایران و چه خارج، باید بر روی دوهدف اصلی متمرکز شود: آزادی تمامی زندانیان سیاسی، بخصوص آقایان میر حسین موسوی و مهدی کروبی، و خانم دکتر زهرا رهنورد، و مواجهه با تمام قوا با افراطی‌ها در تهران برای کمک به توافق نهایی با ۵+۱.

دکتر محمد سهیمی، استاد دانشگاه کالیفرنیا ی جنوبی و سر دبیر وبسایت اخبار ایران و گزارش‌های خاور میانه، تحلیلگر مسائل ایران می‌باشد که مقاله‌های او در ۱۵ سال گذشته در بسیاری از نشریات و وبسایت‌های انگلیسی به چاپ رسیده است